

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه خوارزمی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی روانشناسی

عنوان:

مقایسه تاثیر پیوند خانوادگی بر دختران با گرایش جنسی به همجنس و دختران با گرایش جنسی
به غیر همجنس

:استاد راهنما

دکتر محمدحسین عبداللہی

:پژوهشگر

شیدا محمدی

بهار ۱۴۰۲

عنوان پژوهش به فارسی: مقایسه تاثیر پیوند خانوادگی بر دختران با گرایش جنسی به همجنس و دختران با گرایش جنسی به غیر همجنس

کلید واژگان: پیوند خانوادگی، دختران، گرایش جنسی، هم جنس، غیر هم جنس

Title: Comparison of the effect of family bonding on girls with same-sex sexual orientation and girls with non-same-sex sexual orientation

Keywords: Family connection, daughters, sexual orientation, same sex, opposite sex

چکیده

تحقیق حاضر با هدف مقایسه نوع پیوند خانوادگی میان دختران همجنسگرا و دگرجنسگرا انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق، دختران با گرایش جنسی به همجنس و غیر همجنس ساکن ایران میباشد. انتخاب نمونه تحقیق حاضر با روش نمونه گیری در دسترس انجام شده است. روش تحقیق از نوع علی-مقایسه ای بوده و جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه پیوند خانوادگی پارکر و همکاران استفاده شده است. برای تحلیل آماری داده ها از آمار توصیفی فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین و آمار استنباطی (آزمون کلوموگرو ف اسمیرنف جهت بررسی نرمال بودن داده ها استفاده شده است. نتایج تحلیل داده های این تحقیق نشان داد که پیوند خانوادگی دختران با گرایش جنسی به همجنس و غیر همجنس تفاوت فاحشی با هم ندارد.

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

یکی از موارد بسیار بحث برانگیز حوزه روانشناسی، موضوع همجنسگرایی، ریشه ها و علت های آن است. از یک سو شواهدی نشان میدهد که همجنسگرایی ریشه در طبیعت دارد و در بسیاری از گونه های دیگر نیز دیده می شود. (باگمیل، ۱۹۹۹ به نقل از بشارت، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، در میان دانشمندان توافق بر سر علت دقیق همجنسگرایی وجود ندارد. اگرچه بسیاری از تحقیقات به موضوع تاثیرات احتمالی ژنتیک، هورمون ها، روند رشد، اجتماع و فرهنگ پرداخته اند، هیچ یافته ای محققان را به سوی استنتاجی متقن در تعیین علت همجنسگرایی رهنمون نشده است (رحمان و ویلسون، ۲۰۰۳ به نقل از بشارت، ۱۳۹۴)

کینزی در سال ۱۹۴۸ در یکی از نخستین مطالعات عمده میزان بروز همجنس گرایی را گزارش داد که ده درصد مردان و پنج درصد زنان همجنس گرا هستند (کینزی، ۱۹۴۸ به نقل از خدابخش، روشنک، ۱۳۸۹) وی همچنین مطرح ساخت ۳۷ درصد کل افراد مورد مطالعه اش در دوره ای از زندگی تجربه همجنس گرایی داشته اند. به نظر وی اکثر مردم در دوره - هایی از زندگی دارای تجربیات و یا عواطف همجنس گرایانه اند. گزارشات کینزی نشان میدهند که حدود ۴ درصد از افراد بالغ در آمریکا برای تمام عمر منحصرأً همجنس گرا هستند و حدود ۱۰ درصد نیز در دوره هایی از زندگی رفتارهای همجنس گرایانه بروز داده اند (کینزی ۱۹۴۸، کینزی، پومروی مارتین و گب هارد، ۱۹۵۳ به نقل از خدابخش، روشنک، ۱۳۸۹)

پژوهش ها پیرامون اقلیت های جنسی ابعاد گسترده ای دارد. یکی از موضوعات قابل بررسی آن مطالعاتی که با تمرکز بر نقش خانواده و محیط کودکی فرد، سعی در ارائه ی تبیینی رشدی-عاطفی برای همجنس گرایی داشته اند.

اینگرام، اوربی و فورتیر (۲۰۰۱) پیوند با پدر و مادر را یکی از عوامل مهم در تعیین سبکهای شناختی و عاطفی آینده فرد میدانند. کیفیت روابط پدر و مادر با فرزندان نقشی تعیین کننده در پیشرفت زمینه های اجتماعی نوجوانان دارد (اسمورتی و گوارنیری، ۲۰۱۴؛ اسمورتی، گوارنیری و اینگوگلیا، ۲۰۱۴). تعامل کودکان با والدین و محیط موجب شکل گیری روان سازه ها و بازخوردهای آنان نسبت به خود و جهان اطرافشان میشود (بک، ۱۹۶۷؛ به نقل از بوچر، لکورس، فیلیپ و آرسنیولت، ۲۰۱۳).

در خصوص احتمال رابطه پیوندهای والدینی با گرایش های جنسی، گزارشی در دست نیست و تنها پژوهش منتشر شده غیر مستقیم مربوط میشود به کار کورلیس، کوچران و میس (۲۰۱۲) که نشان دادند بدرفتاری، غفلت و کمبود بازخوردهای عاطفی و همچنین فقدان روابط کلی فرزندان با پدر و مادر می تواند بر گرایش جنسی فرزندان به هم جنس تاثیر بگذارد. از این نقطه نظر، اهمیت و ضرورت مقایسه همجنسگرایان و دگرجنسگرایان بر حسب کیفیت روابط والدین و فرزندان در پژوهش حاضر بیشتر میشود.

۲-۱. بیان مساله پژوهش

گرایش جنسی به میزان کشش جنسی هر فرد به سمت زنان یا مردان اطلاق میشود و یکی از متغیرهای بنیادی برای فهم رفتار جنسی بشر به شمار می رود (راهمن و ویلسون، ۲۰۰۳ به نقل از خدابخش، روشنگر، ۱۳۸۹). مقصود از گرایش جنسی این است که شخص از لحاظ جنسی تا چه اندازه مجذوب افراد همجنس یا دگرجنس با خود می شود (اتکینسون، اسمیت، بم، هوکسما، ۱۳۸۲ به نقل از خدابخش، روشنگر، ۱۳۸۹). طبق تعریف ساده ی کینزی، گرایش جنسی، گرایش به گرفتن شریک در هر شخص از همجنس خود یا جنس مخالف است (کینزی، ۱۹۴۸ به نقل از خدابخش، روشنگر، ۱۳۸۹) امروزه دو اصطلاح « ترجیح جنسی و گرایش جنسی » را از یکدیگر متمایز می کنند. زیرا ترکیب اول این مفهوم را به ذهن متبادر کند که گویی فرد در این زمینه مختار است و میتواند هر زمان که بخواهد ترجیح خود می را عوض کند در حالی که واژه گرایش اشاره به امری درونی و ذاتی دارد (لغت نامه پزشکی استیدمن، ۲۰۰۲ به نقل از خدابخش، روشنگر، ۱۳۸۹)

گرایش جنسی برخلاف آنچه بیشتر مردم تصور می کنند یک متغیر گسسته نیست که بر اساس آن بتوان افراد را به دو گروه دگرجنس گرا و «همجنس گرا» تفکیک شود، بلکه متغیری پیوسته است که بصورت پیوستاری از همجنس خواهی مطلق تا دگر جنس خواهی مطلق گسترده است (کینزی ۱۹۴۸ کینزی، پومروی مارتین و گب هارد، ۱۹۵۳)

بنابراین گرایش جنسی به ترجیح جنس مخالف یا موافق از نظر دلبستگی و جذابیت جنسی اشاره دارد گرچه ممکن است تجارب جنسی نیز وجود داشته باشند اما همیشه اینطور نیست (راهمن و ویلسون؛ ۲۰۰۳ به نقل از خدابخش، روشنگر، ۱۳۸۹) فشارهای بیرونی قانونی و اجتماعی همبستگی بین گرایش و رفتار جنسی را در اقلیت های جنسی کاهش داده است (هامر و کوپلاند، ۱۹۹۴؛ لوی، ۱۹۹۶؛ سل، ولز و وای پیچ، ۱۹۹۵)

دگرجنسگرایی الگویی پایدار از تحریک و برانگیختگی نسبت به جنس مخالف تعریف میشود (پرین، ۲۰۰۲). دگرجنسگرایی اکثریت جهت گیریهای جنسی را که مشتمل بر جنبه های زیستی، روانی و اجتماعی است، در بر می گیرد (لوی، ۲۱۵۱). این گرایشات و تمایلات در یک مجموعه متنوع از ویژگیهای فیزیولوژیک، رفتاری و روانی همچون میل جنسی، رابطه عاشقانه، انگیزتگی فیزیولوژیک، جاذبه ها، خیالپردازیها و هویت شخصی آشکار میشوند (ساوین - ویلیامز و رانگالووا، ۲۱۵۹).

اصطلاح همجنس گرایی که یک اصطلاح پزشکی است و معانی پاتولوژی و سبب شناسی در بطن خود دارد غالباً برای توصیف یک نوع رفتار آشکار شخصی گرایش جنسی و حس هویت شخصی و اجتماعی بکار میرود که ویژگی آن تمایل زیبایی شناختی عشق رمانتیک و تمایل جنسی منحصرأ نسبت به جنس همگون با خود فرد است (انجمن روانشناسی آمریکا، ۱۹۹۷)

گرایش به همجنس بیانگر رفتاری است که تمایل جنسی فرد را نسبت به همجنس خود منعکس میکند. همجنس خواهی تعریف فرد از خود و اولویت و میل ذاتی شخص نسبت به همجنس خود محسوب میشود (دی رایس، ۲۰۱۴). گرایش به همجنس تنها به روان فرد همجنسگرا محدود نمیشود و در رشد فیزیکی و توانایی جسمی فرد همجنسگرا نیز آشکار میگردد (رحمان، ۲۰۰۵؛ رحمان و ویلسون، ۲۰۰۳؛ سالیوان، ۲۰۰۳؛ فینک، منینگ و نیو، ۲۰۰۴).

در سال ۱۹۷۳ انجمن روان پزشکی آمریکا همجنس گرایی را به عنوان یک طبقه تشخیصی کنار گذاشت و در سال ۱۹۸۰ از راهنمای تشخیصی اختلالات روانی حذف شد. در دهمین تجدید نظر طبقه بندی آماری و بین المللی بیماریها و مشکلات بهداشتی وابسته آمده است. گرایش جنسی به تنهایی یک اختلال محسوب نمیشود این تغییر بازتاب تغییری است که در درک همجنس گرایی روی داده است. چراکه امروزه همجنس گرایی کم و بیش به طور مرتب به عنوان نوعی تمایل جنسی انسان روی میدهد و یک اختلال بیمارگونه نیست (سادوک ۲۰۱۵)

توافق عام در مجامع علمی بر این است که احتمالاً ترکیبی از عوامل زیستی و محیطی علت پیدایش همجنسگرایی است. اهمیت نسبت هر یک از عوامل ممکن است از یک فرد به دیگر متغیر باشد (جانینی، بلنچارد، کمپریو-چیانی و بنکرافت، ۲۰۱۰).

ساخت خانواده از جمله عوامل محیطی تاثیر گذار است که مجموعه های نامرئی از انتظارات مربوط به عملکرد است، که شیوه های مراوده یا کنش های اعضا را سازمان می دهد. خانواده سیستمی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مراوده های صورت میگیرد. مراودات یا کنشهای تکراری، الگوهایی به وجود می آورند مبنی بر اینکه چطور، چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار می شود و همین الگوها زیربنای سیستم خانواده را هم تشکیل میدهند. الگوهای مراوده ای، رفتار اعضای خانواده را منظم میکند (مینوچین، ۱۳۷۰؛ ترجمه ثنائی، ۱۳۹۰ به نقل از بهزادی، کیان ارثی، ۱۳۹۴)

والدین اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل گیری ساختار زندگی آینده ی کودک دارند اندیشمندان دریافته اند که ادراک کودکان از این نوع تعاملات بسیار مهم تر از تجربه ی عملی چنین تعاملاتی است (چو و چن ۲۰۱۶)

پیوند والدینی متغیری است که در آن به ارزیابی رفتار والدین از دیدگاه فرزندان می پردازد و به وسیله نظریه دلبستگی بالبی طراحی شده است بهزادی سروقد و سامانی (۱۳۹۰) پیوند والدینی یکی از شیوه های جدید موجود در تربیت فرزند است که به عقیده بالبی (۲۰۰۵) پیوندی بسیار متداول و موثر در روابط انسانی بوده و نقش مهمی در رشد شخصیت و کارکردهای روان شناختی دوران بزرگسالی ایفا می کند.

پیوند والدینی به نوع و چگونگی تعامل کودک با والدین اطلاق میشود که همپوشی بالایی با دلبستگی دارد پژوهش ها نشان داده اند که پیوند والدینی میتواند بر تحول کودکان مؤثر باشد و ممکن است خطر تحول آسیب پذیری ها را در دوران بلوغ تحت تأثیر قرار دهد. دلبستگی مفهومی است که اولین بار توسط جان بالبی مطرح شد و اشاره دارد به پیوند عاطفی و عشقی نوزاد با کسی که از او حمایت میکند این پیوند مبتنی بر تعاملات اجتماعی است.

بدون شک یکی از تحولات بسیار مهم در حوزه روان شناسی معاصر نظریه دلبستگی بالبی است که اهمیت نقش تجارب هیجانی اولیه کودک با مراقب خود را در رشد هیجانی و شناختی فرد برجسته میسازد بالبی عمیقاً معتقد بود دلبستگی هایی که در کودکی شکل میگیرند بر بزرگسالی تأثیر میگذارد از آنجایی که دلبستگیهای کودکی برای رشد بعدی حیاتی هستند بالبی معتقد بود محققان باید کودکی را مستقیماً بررسی کنند. (گول کاپسی و کوکوکر، ۲۰۰۶)

نظریه بالبی بر این دو فرض اساسی استوار است: اولاً مراقب پذیرا و قابل دسترس (معمولاً) (مادر) باید پایگاه امنی برای کودک به وجود آورد. کودک نیاز دارد بداند که این مراقب در دسترس و قابل اعتماد است اگر قابل اعتماد بودن وجود داشته باشد. کودک بهتر میتواند هنگام کاوش کردن محیط احساس اطمینان و امنیت کند. این رابطه پیوند دهنده در دلبسته شدن مراقب به کودک نقش مهمی دارد و به بقای کودک کمک شایانی میکند فرض دوم نظریه دلبستگی این است که رابطه پیونددهنده (یا) فقدان آن درونی میشود و به عنوان یک مدل روانی عمل میکند که روابط دوستی و روابط عاشقانه بر آن استوار میشوند بنابراین اولین دلبستگی پیوند دهنده برای هر رابطه ای اهمیت زیادی دارد با این حال برای اینکه این پیوند برقرار شود کودک نباید فقط گیرنده منفعل رفتار مادر (مراقب باشد حتی اگر این رفتار از دسترس بودن و قابل اعتماد بودن خبر دهد (گول کاپسی و کوکوکر، ۲۰۰۶)

سبک دلبستگی ارتباط بین دو نفر است نه صفتی که مادر به کودک اعطا کرده باشد. این یک خیابان دو طرفه است کودک و مراقب باید نسبت به هم پاسخ دهنده باشند و باید بر رفتار یکدیگر تأثیر بگذارند فیست و قیست ۲۰۰۲ ترجمه سید محمدی (۱۳۸۷) از نظر بالبی دلبستگی یکی از نیازهای بنیادین انسانها است (قربانی ۱۳۸۲) مطابق نظریه بالبی (۱۹۸۲-۱۹۶۹) نقل از، رضانی شمس اسفندآباد و طهماسبی (۱۳۸۶) انسان با یک سیستم روانی زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد میشود. این سیستم ارزش انطباقی داشته و فرد را به حفظ همبستگی و همجواری با افراد مهم زندگی یا تصاویر دلبستگی کسانی که کودک میتواند در موقعیتهای تهدید آمیز نزدیک آنها بماند تا شانس او برای سازش یافتگی و بقا افزایش یابد سوق میدهد. هدف این سیستم در کودک دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با

تصویر دلبستگی است اینصورت . ۱۹۸۹: هازن و شاور ۱۹۹۴ میکولینسر و شاور ۲۰۰۵ نقل از رضانی و همکاران، ۱۳۸۶). به عقیده بالبی (۱۹۸۰)، نقل از برک، ۲۰۰۱، ترجمه، سید محمدی، ۱۳۸۵) کودکان در نتیجه تجربیات خود در طول چهار مرحله پیوند عاطفی با ثباتی با مراقبت کننده برقرار میکنند که در غیاب والدین میتوانند از آن به عنوان یک پایگاه، امن استفاده کنند. این تصویر ذهنی، الگو یا راهنمایی برای کلیه روابط صمیمی در آینده میشود از کودکی و نوجوانی تا دوران بزرگسالی (برترون ۱۹۹۲؛ نقل از، برک، ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۵).

در این راستا، تصور می شود با بررسی انواع دلبستگی و اصلاحات مورد نیاز در کارکرد خانواده افراد همجنس گرا، می توان سبب افزایش توانایی سازش یافتگی شود.

۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

کودکان در خلا رشد نمیکنند رشد آنها در بافت، خانواده، محله جامعه کشور و جهان صورت میگیرد در این بافت آنها تحت تأثیر والدین خواهران و برادران سایر منسوبین دوستان همتایان و سایر بزرگسالانی که در تماس با آنان قرار میگیرند، هستند. در میان تمام عوامل اجتماعی اقتصادی اثرگذار در رشد کودک هنوز هم خانواده انتقال دهنده ی اصلی ارزشها اصول اخلاقی، آرمانها عاداتها و شیوه های تفکر و عمل به شمار میآید رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷ خانواده از طریق گفتگو و سرمشق دهی به شخصیت کودک شکل میدهد و شیوه های فکری و روشهای عملی ای که به عادت تبدیل میشوند را در او القا میکنند (کوچایکا، ۱۹۹۰ به نقل از رایس ۲۰۰۱ ترجمه فروغان (۱۳۸۷)

ارزیابی رفتار در بستر خانواده این امکان را فراهم میکنند که منشأ بسیاری از مشکلات رفتاری ایجاد شده در فضای خانواده کشف و مورد بررسی قرار گیرد (کیتتر و همکاران ۱۹۹۶ به نقل از زاده محمدی و ملک خسروی، ۱۳۸۵

شیور و هازان (۱۹۸۸) به نقل از سپاه منصور و همکاران (۱۳۸۶) با بررسی نظریه ی دلبستگی در بزرگسالی نشان دادند که سبکهای دلبستگی مادر کودک از لحاظ ابعاد شناختی هیجانی و رفتاری شکل میگیرد و عشق بزرگسالی را میتوان به منزله ی مرحله ای از دلبستگی به حساب آورد بزرگسالان ایمن با دیگران احساس صمیمیت و نزدیکی میکنند قادرند به دیگران اعتماد کنند و خود را دوست داشتنی و با ارزش بدانند بالعکس بزرگسال دوسوگرا رفتارها و هیجانهای متغیری نسبت به موضوع دلبستگی دارد و بیش از حد به او وابسته است اغلب نگران است که ترک شود و بیش از دیگران در عشق شکست میخورد بزرگسال، اجتنابی نسبت به دیگران تعهد کمتری احساس میکند و اطرافیان را غیر قابل اعتماد میداند اما خود را در برابر دیگران خوب می پندارد (کالینز و رید ۱۹۹۰ به نقل از سیاه منصور و همکاران ۱۳۸۶) در واقع این توصیفات نشان دهنده این است که بشر از همان زمان تولد آماده ی دریافت تجربیات از محیط و بالاخص از والدین خود است و این دریافت تجربیات در کودکی و نوجوانی نیز ادامه می یابد. چه بسا که زمینه های موفقیت و شکستهای جبران ناپذیر در لابه لای همین روابط والدین و کودک رقم میخورد پس ضرورت ایجاد میکنند که دوران کودکی و نوجوانی و ارتباط با والدین، به طور جزئی تر مورد ارزیابی قرار گرفته و تمرکز بیشتری بر نحوه ی ارزیابی رفتار والدین از سوی فرزندان صورت گیرد.

۱-۴. اهداف پژوهش

اهداف اصلی:

تعیین تفاوت پیوند خانوادگی در دختران با گرایش جنسی به همجنس و دختران با گرایش جنسی به غیر همجنس

اهداف فرعی:

تعیین پیوند خانوادگی در دختران همجنس گرا

تعیین پیوند خانوادگی در دختران دگرجنس گرا

۱-۵. پرسش ها و فرضیه های پژوهش

پرسش ها:

با توجه به آنچه در بیان مسأله ارائه شد، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سوال زیر است :

آیا در نوع پیوند خانوادگی و دلبستگی دختران همجنس گرا و غیر همجنس گرا تفاوتی وجود ؟

فرضیه ها:

مراقبت و محافظت دختران همجنسگرا کمتر از دختران دگرجنسگرا است.

۱-۶. تعاریف پژوهش

تعاریف مفهومی:

پیوند خانوادگی: پیوند خانوادگی به نوع و چگونگی تعامل کودک با والدین اطلاق میشود که همپوشی بالایی با دلبستگی دارد

همجنسگرایی: غالباً برای توصیف یک نوع رفتار آشکار شخصی گرایش جنسی و حس هویت شخصی و اجتماعی بکار میرود که ویژگی آن تمایل زیبایی شناختی عشق رمانتیک و تمایل جنسی منحصرأ نسبت به جنس همگون با خود فرد است (انجمن روانشناسی آمریکا، ۱۹۹۷)

تعاریف عملیاتی:

پیوند خانوادگی: نمره ای که آزمودنی ها در پرسشنامه پارکر و همکاران کسب می کنند.

دختران همجنسگرا: در این پژوهش به دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله ای گفته می شود که در سوال طیف لیکرت پرسشنامه (سوال ۱) نمره ۱ تا ۴ داشتند.

دختران دگرجنسگرا: در این پژوهش به دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله ای گفته می شود که در سوال طیف لیکرت پرسشنامه (سوال ۱) نمره ۶ تا ۹ داشتند.

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش

۲-۲۲. پیشینه پژوهش

برخی زنان و مردان همجنس گرا گزارش می‌دهند که از پیش از بلوغ از کشش احساساتی نسبت به همجنس آگاه بوده‌اند. طبق داده‌های کینزی حدود نیمی از پسران پیش از بلوغ تجربه تناسلی با یک شریک مرد داشته‌اند. (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۳)

درمورد زنان هم احساسات رومانیتیک نسبت به همجنس، ممکن است در دوره قبل از نوجوانی آغاز شود ولی شناخت آشکار ترجیح شریک همجنس، بطور مشخص در اواسط یا اواخر نوجوانی یا اوایل جوانی روی می‌دهد. (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۳)

گرایش جنسی در نوجوانی شکل می‌گیرد. هرچند نوجوانان هنوز از نظر جنسی فعال نشده باشند. مردان و زنان همجنس گرا نوعاً سه سال پیش از اولین فعالیت همجنس گرایانه پیشرفته‌ی خود، معمولاً مجذوب فردی از همجنسان خود می‌شوند.

بطور کلی، نه فعالیت‌های همجنس گرایانه، بلکه احساسات همجنس گرایانه است که نقش قطعی را در گرایش همجنس گرایی در بزرگسالی دارد. بر مبنای این دویافته، هرگونه نظریه یادگیری رفتاری در توجیه گرایش جنسی مردود شمرده می‌شود. (اتکینسون و دیگران؛ ترجمه براهنی، ۱۳۸۳)

تمامی بررسی‌ها حاکی از آن است که گرایش جنسی نوعی انتخاب شخصی نیست. مرد و زن همجنس گرا شخصاً این راه را بر نمی‌گزینند تا احساس جنسی نسبت به افراد همجنس خود داشته باشند. کما اینکه افراد دگر جنس گرا نیز احساس کشش مثبت نسبت به جنس مخالف را شخصاً انتخاب نمی‌کنند. (اتکینسون و دیگران؛ ترجمه براهنی، ۱۳۸۳)

حکیم جوادی و اژه‌ای ۱۳۸۳ در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نحوه ارتباط والدین با کودکان قوی‌ترین عامل مؤثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می‌شود؛ پژوهش‌های مربوط به آسیب‌های روانی کودکان نشان می‌دهند که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشأ ترس عدم اعتماد احساس نارضایتی بدبینی و اضطراب در فرزندان آنها می‌شود استفاده می‌کنند (علیزاده و اندریس ۲۰۰۲) والدینی که در ارتباطات خود متزلزل فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثبات‌اند و در نحوه تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند از الگوهای فرزند پروری مبتنی بر طرد در این الگوها کودکان همواره از طرف والدین طرد می‌شوند حمایت افراطی یا تسلط انضباط دوگانه سستی موازین اخلاقی کمال جویی‌های غیر منطقی و عصبانیت و بی‌ثباتی عاطفی استفاده و رفتارهای نوروپیک را در کودکان تثبیت می‌شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیاز مندتر کنند و سبب

می شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شوند و در تحول چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول رشد شناختی هیجانی و گفتاری است ناکام بمانند مک کارتی لانو و والری (۲۰۰۴)

عوامل زمینه ساز گرایش به همجنس را میتوان در سطح فرد و خانواده مطرح نمود.

والدین اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می کنند و تأثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل گیری ساختار زندگی آینده ی کودک دارند، اندیشمندان دریافته اند که ادراک کودکان از این نوع تعاملات بسیار مهمتر از تجربه ی عملی چنین تعاملاتی است (چو، چو و چن، ۲۰۱۶)

با توجه به نظریه دلبستگی، بالبی فرزندان مدل‌های کارکرد و نیاز جهان را بر اساس تجارب اولیه خود با مراقب اصلی رشد می‌دهند (یانگ ۱۳۹۴)

کارنر عنوان کرد که یک رابطه علی- معلولی میان الگوی دلبستگی تجربه شده در کودکی و سبک دلبستگی بالغین وجود دارد

مطالعات نشان می‌دهد که رفتارهای سرد والدینی و محافظت بیش از حد والدین موجب اختلالات روانی در نوجوانان میشود و در آینده برنوع رابطه آنها با همسرانشان تأثیر خواهد گذاشت

از نظر کارنر هنگامی که کودکان رشد میکنند عقاید بنیادین را از طریق نحوه کارکرد و برخورد خانواده با آنها شکل می‌دهند

سبک‌های تربیتی الگوهایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آنها به رفتار فرزندان شکل می‌گیرد (دیسجار دنیس (۲۰۰۹) پارکر و همکاران (۱۹۷۹) اعتقاد دارند اغلب رفتارهای والدگری والدین را میتوان به دو بعد مراقبتی و کنترلی تقسیم نمود. با مریند (۱۹۸۹) دو بعد مستقل در تربیت را که میتواند رفتار فرزندان را پیشگویی کند تبیین کرده بعد اول پاسخ گر بودن که به میزان تغذیه کنندگی گرمی و ابراز هیجانی و تقویت مثبت مرتبط با نظرات فرزندان گفته میشود بعد دوم اطاعت گری که به نحوه اعمال کنترل و سطح تقاضا و انتظارات گفته میشود مداحی و صمدزاده ۱۳۹۰ (۲۰) بامریند (۱۹۸۹) بر اساس دو بعد پاسخگویی و تقاضامندی والدین سه سبک تربیتی را پیشنهاد داد. نوع اول مقتدرانه والدینی که هم پذیرنده و هم متوقع هستند، نوع دوم استبدادی (والدینی که متوقع هستند اما پذیرنده نیستند و نوع سوم سهل گیر (والدینی که پذیرنده هستند اما متوقع نیستند. بعدها نوع چهارم یعنی طرد کننده بر اساس دو بعد تقاضامندی و پاسخگویی توسط محققین دیگر اضافه شد (اسلیکر (۱۹۹۸) هر یک از این سبکها اثرات مختلفی بر فرزندان می گذارد، افراد با سبکهای تربیتی مقتدرانه رشد هیجانی اجتماعی و عملکرد تحصیلی، بهتر سازمان دهی و جهت گیری عقلانی بالاتری نشان میدهند هیل ۱۹۹۵ در حالی که والدین سهل گیر کنترلی بر کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتماد به

نفس کنجکاوی و خودکنترلی را در هنر گروهی از خود نشان می‌دهند و در کنترل تکاله و تشخیص ارزشهای ضد ارزش مشکل دارند (برن) اشتاین (۲۰۰۲) والدین دیکتاتور، اغلب فرزندان خود را تحقیر میکنند و در مورد تنبیه بکار گرفته شده هیچ گونه توضیحی نمیدهند اجرای تادیب های قوی سبب اختلال در پردازش کودکان نسبت به پیامها و صحبت های والدین شده و آنان همواره در یک ترس دائمی به سر می‌برند (باربره (۲۰۰۰)

فصل سوم

روش تحقیق

۳-۱. روش انجام تحقیق

روش انجام تحقیق، توصیفی از نوع علی-مقایسه ای بوده و نوع تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی است.

۳-۲. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل دختران با دامنه سنی ۱۸-۳۰ سال که مقیم ایران هستند.

۳-۳. حجم نمونه و روش نمونه گیری

برای مطالعات از نوع علی - مقایسه ای حداقل حجم نمونه در هر گروه ۳۰ نفر کفایت میکند (دلاور، ۱۳۹۷). با روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۱۴۳ نفر (تعداد ۶۹ دختر دگرجنسگرا و ۴۶ دختر همجنسگرا) انتخاب می شود.

ملاک های ورود دختران همجنسگرا: دختران در بازه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال باشند؛ مقیم ایران باشند و در سوال اول پرسشنامه پایین تر از ۵ آورده باشند.

ملاک های ورود دختران دگرجنسگرا: دختران در بازه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال باشند؛ مقیم ایران باشند و در سوال اول پرسشنامه بالاتر از ۵ آورده باشند.

۳-۴. ابزار گردآوری اطلاعات

دختران شرکت کننده در مطالعه ابزار زیر را تکمیل می کنند:

مقیاس پیوند خانوادگی پارکر: توسط گوردن پارکر، هیلاری تاپلینگ و ال. بی. بران پرسشنامه پیوند خانوادگی در سال ۱۹۷۹ ساخته شده است که از ۲۵ گویه و ۲ خرده مقیاس مراقبت (۱۲ سوال) و حمایت افراطی (۱۳ سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش پیوند خانوادگی بکار می رود.

نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۴ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «خیلی زیاد»، «تقریباً زیاد»، «تقریباً کم» و «خیلی کم» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته می شود.

در این پژوهش منظور از نمره استاندارد پیوند خانوادگی نمره ای است که فرد به سوالات ۲۵ ماده ای پرسشنامه پارکر میدهد. حداکثر نمره خرده مقیاس مراقبت ۳۶ و حداکثر نمره خرده مقیاس حمایت افراطی ۳۹ می باشد.

نمره بالا در مقیاس حمایت، توجه به معنی آن است که والدین افرادی همدل، گرم، فهیم و دارای برخوردی دوستانه هستند. آنها معمولاً در کنار نوجوان حضور دارند، با او گفتگو می کنند و او را می فهمند. از سوی دیگر

نمره پایین در این مقیاس نشان می دهد که والدین افرادی سرد و طرد کننده اند، بدون آن که منشأ اثر باشند و توجه کافی به فرزندشان داشته باشند. در یک انتهای مقیاس کنترل، والدین با عباراتی نظیر حمایت کننده ی افراطی، عامل وابستگی و کودک ماندگی و نیز متجاوز و کنترل کننده توصیف می شوند. در انتهای دیگر طیف، والدین به فرزند خودمختاری می دهند. نمره بالا که به معنی کنترل افراطی است، یکی از عوامل خطرآفرین عمده به شمار می آید. برخی از یافته ها نشان می دهند که نمره بسیار پایین ممکن است نشانه ی بی تفاوتی والدین باشد (پارکر، ۱۹۹۰؛ به نقل از رایس، ۲۰۰۱، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷ به نقل از بهزادی، بهناز ۱۳۹۰)

برداشت نوجوان از کنترل و توجه والدین را اندازه گیری میکند. این ابزار از پاسخگویان میخواهد که برداشت حداکثر تا ۱۶ سالگی خود را از والدینشان گزارش کنند. پرسشنامه از ۲۵ عبارت تشکیل میشود که نوجوان میتواند میزان موافقت خود را با آنها با استفاده از مقیاس لیکرت با نمره گذاری از ۲ تا ۳ نشان دهد. یک گروه از این عبارات به توجه با "به" من مهربان "بود و گروه دیگر به کنترل دوست داشت خودم در مورد مسائل تصمیم بگیرم مربوط اند نمردی بالا در مقیاس توجه به معنی آن است که والدین افرادی همدل گرم فهمیم و دارای برخوردی دوستانه هستند. آنها معمولاً در کنار نوجوان حضور دارند با او گفتگو می کنند و او را میفهمند از سوی دیگر نمردی پائین در این مقیاس نشان میدهد که والدین افرادی سرد و طرد کننده اند؛ بدون آنکه منشأ اثر باشند و توجه کافی به فرزندشان داشته باشند. در یک انتهای مقیابی کنترل والدین با عباراتی نظیر حمایت کننده ی افراطی، عامل وابستگی و کودک ماندگی و نیز متجاوز و کنترل کننده توصیف میشوند و در انتهای دیگر طیف والدین به فرزند خود مختاری میدهند نمردی بالا که به معنی کنترل افراطی است. یکی از عوامل خطرآفرین عمده به شمار میآید برخی از یافته ها نشان میدهند که نمره ی بسیار پایین ممکن است نشانه ی بی تفاوتی والدین باشد (پارکر ۱۹۹۰ به نقل از رایس ۲۰۰۱ ترجمه فروغان، ۱۳۸۷) همانطور که در جدول ۱ دیده میشود از ترکیب دو بعد آزمون پارکر چهار ربع دایره حاصل می شود ترکیب کنترل کم و توجه زیاد معمولاً والدگری بهینه نامیده شده و مطلوب ترین ترکیب به شمار می آید؛ ترکیب کنترل زیاد و توجه زیاد محدودیت مهرآمیز نام گرفته است؛ کنترل زیاد و توجه کم کنترل غیر مهرآمیز خوانده شده و بدترین ترکیب خوانده میشود و ترکیب کنترل کم و توجه کم اغلب اهمالگری خوانده میشود (پدرسون ۱۹۹۴ به نقل از رایس ۲۰۰۱ ترجمه فروغان، ۱۳۸۷). طبق گزارش پارکر و همکاران (۱۹۷۹) سن آزمودنیها برای پاسخگویی به این پرسشنامه حداقل ۱۶ سال لحاظ شده است نحوه ی نمره گذاری پرسشنامه ی پیوند والدینی پارکر و همکاران (۱۹۷۹) بدین گونه است که سوالات ۲۳-۲۰-۱۹-۱۲-۱۳-۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۶۵۱ به صورت غیر معکوس و سوالات ۱۴-۷-۴-۳-۲-۱۵ ۱۶ ۲۱-۱۸ ۲۲ ۲۴ ۲۵ به طور معکوس نمره گذاری میشود.

این پرسشنامه روایی همزمان خوبی دارد، همبستگی معناداری با قضاوت های درجه بندی مستقل، توجه و حمایت افراطی والدین دارد. و روی هم رفته توجه و حمایت مادران نسبت به توجه و حمایت پدران بیشتر معنادار بود.

۳-۵. طرز اجرا و نمره دادن

این پرسشنامه از ۲۵ سوال تشکیل شده است که برای هر گویه بصورت طیف لیکرت ۴ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «خیلی زیاد»، «تقریباً زیاد»، «تقریباً کم» و «خیلی کم» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته می شود و گویه های ۱، ۵، ۶، ۱۳-۸، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند از مجموع نمرات کل گویه ها دو نمره مراقبت و حمایت حاصل می شود.

۳-۶. شیوه اجرا و جمع آوری داده ها

ابتدا طرح اولیه پژوهش توسط محقق تحت عنوان پروپوزال به استاد راهنما ارائه می گردد. در ادامه، فرم پرسشنامه در میان دختران مطابق با ملاک های ورود پژوهش، پخش شده و تکمیل می گردد.

در صفحه اول فرم پرسشنامه تاکید بر سن، جنسیت و محل زندگی افراد شده است، برای اینکه محقق تسلط بیش تری روی آزمودنی ها، عملکرد و حفظ همکاری موثر آنها هنگام جواب دادن داشته باشد. پس از ارائه توضیحات کافی در مورد اهداف توسط پژوهشگر، دختران وارد مطالعه خواهند شد و پرسشنامه ها در اختیار آنها قرار خواهد گرفت.

پس از پژوهش، پژوهشگر مسئول رعایت اصل رازداری، حریم شخصی افراد و اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از انتشار آن ها خواهد بود و اطلاعات شخصی افراد مورد مطالعه تنها در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۳-۷. روش تحلیل داده ها

بعد از اجرا و نمره گذاری، تحلیل داده ها بر مبنای آمار توصیفی و استنباطی صورت می گیرد. در بخش توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی نمونه آماری، شامل فراوانی و درصد و شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش یعنی میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد میانگین در قالب جدول و نمودار ارائه شده و در بخش مستقل T استنباطی از آزمون کلوموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن داده ها و از آزمون یومن ویتنی استفاده می شود.

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل داده ها

در این فصل اطلاعات گردآوری شده از نمونه در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی ارائه شده است. داده های این پژوهش با به کار بردن پرسشنامه پیوند خانوادگی پارکر و همکاران جمع آوری شده است؛ برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از روش آمارتوصیفی برای طبقه بندی نمرات خام، طراحی جدول توزیع فراوانی و محاسبه شاخص های پراکندگی نظیر میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است.

بر اساس خروجی پرسشنامه و جدول اطلاعات افراد که با استفاده از نرم افزار spss و کتابخانه پانداس در کد پایتون انجام گرفته، متوجه شدیم که اطلاعات بدست آمده طبق آزمون کولموگروف نرمال نیست و به سمت افراد دگرجنسگرا و شماره ۹ گرایش جنسی خمش دارد.

One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test

		sexual_orientation	support	protection
N		143	143	143
Normal Parameters ^{a,b}	Mean	5.699	22.68	22.29
	Std. Deviation	2.9240	5.287	6.338
Most Extreme Differences	Absolute	.192	.130	.138
	Positive	.129	.062	.079
	Negative	-.192	-.130	-.138
Test Statistic		.192	.130	.138
Asymp. Sig. (2-tailed) ^c		<.001	<.001	<.001
Monte Carlo Sig. (2-tailed) ^d	Sig.	.000	.000	.000
	99% Confidence Interval	Lower Bound	.000	.000
		Upper Bound	.000	.000

a. Test distribution is Normal.

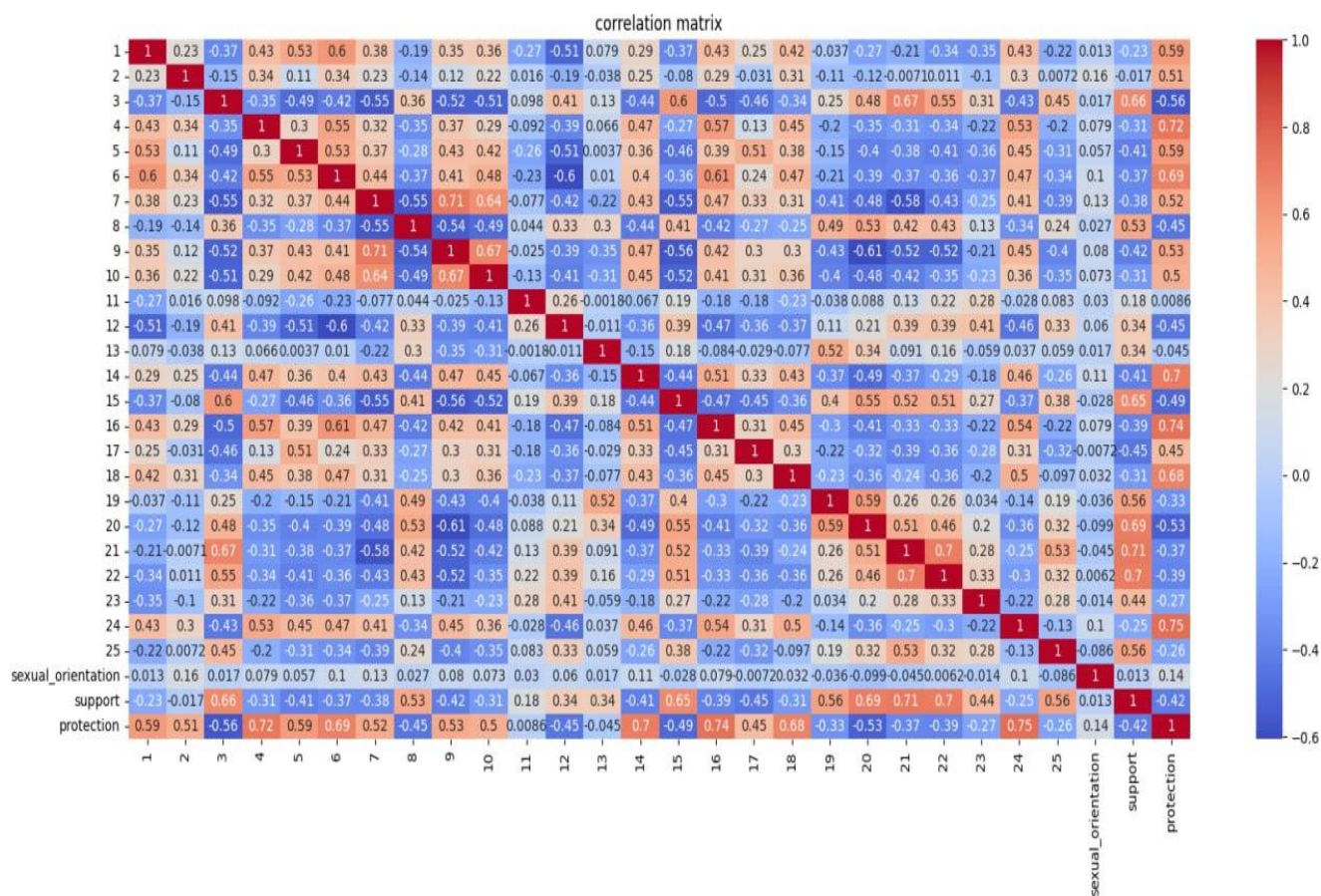
b. Calculated from data.

c. Lilliefors Significance Correction.

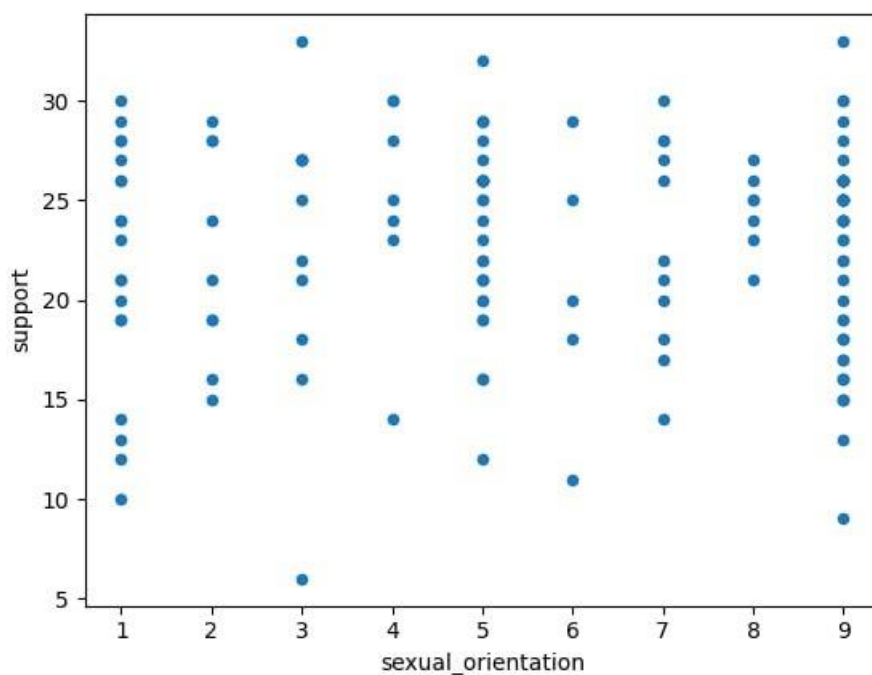
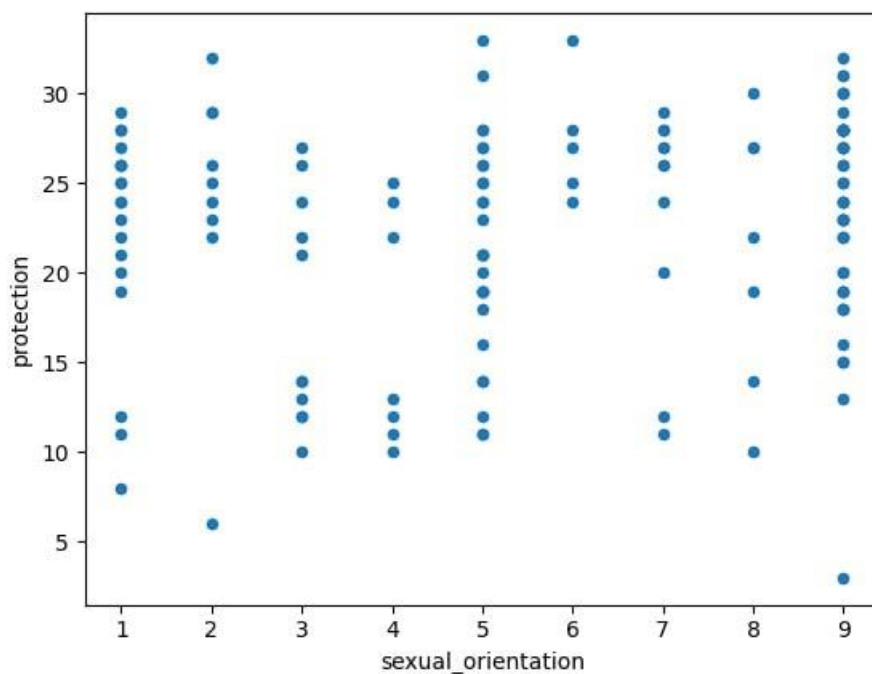
d. Lilliefors' method based on 10000 Monte Carlo samples with starting seed 2000000.

در ادامه دو متغیر حمایت و مراقبت به صورت جداگانه در هر فرد دگرجنسگرا و همجنسگرا بررسی شد.

حداکثر نمره خرده مقیاس مراقبت ۳۶ و حداکثر نمره خرده مقیاس حمایت افراطی ۳۹ می باشد و بر اساس جدول پایین نسبت خاصی بین حمایت و مراقبت و گرایش افراد وجود ندارد و کورولیشن خاصی مشاهده نشده است.



در این جداول نیز که حمایت و مراقبت افراد را با گرایش ۱ تا ۹ به صورت دو نمودار نشان می دهد، تاییدی است بر حرف های گفته شده، چرا که رابطه ای میان حمایت و مراقبت و گرایش جنسی افراد مشاهده نمی شود.



برآیند کار طبق آزمون پارکر، که از سنجیدن مراقبت و حمایت هر فرد با میانگین ۱۴۳ نفر بدست آمده ۴ حالت بوجود آورده، که هر فرد نسبت به بالا یا پایین بودن از میانگین در یکی از این ۴ حالت قرار می گیرد.

	person_ID	1	2	3	4	5	6	7	8	9	...	20	21	22	23	24	25	sexual_orientation	support	protection	result
0	m3SK	1	1	3	0	0	1	0	0	0	...	2	3	3	3	1	3	4.0	25	12	مشارکری بی عاطفه
1	wIHk	2	3	1	3	2	2	3	0	1	...	2	3	3	1	3	0	1.0	19	29	والدگری بهینه
2	MHI7	1	1	3	3	0	1	0	2	0	...	3	3	3	0	3	3	9.0	26	15	مشارکری بی عاطفه
3	XmNQ	2	3	3	3	2	2	0	0	1	...	2	3	1	1	3	1	5.0	20	24	والدگری بهینه
4	t5Bq	0	0	0	3	2	1	0	0	0	...	0	0	1	3	3	0	9.0	9	23	والدگری بهینه
...
138	qGVq	2	3	1	3	0	2	0	3	0	...	2	3	3	3	1	3	9.0	26	24	دلسوزی تحمیلی
139	q1Vp	2	3	3	3	1	1	0	2	1	...	3	3	3	3	3	3	1.0	30	20	مشارکری بی عاطفه
140	C8oY	2	3	0	3	3	3	3	0	3	...	1	0	1	1	3	0	9.0	17	31	والدگری بهینه
141	GVL8	2	3	3	3	2	2	3	0	3	...	0	3	1	3	3	3	9.0	25	27	دلسوزی تحمیلی
142	TCle	2	3	1	3	2	2	1	2	3	...	2	1	3	3	3	1	8.0	26	27	دلسوزی تحمیلی

143 rows × 30 columns

در آخر و با استناد به جدول زیر متوجه می شویم که در میانگین و چارک های به دست آمده از پیوند خانوادگی همجنسگرایان و دگرجنسگرایان اختلاف فاحشی دیده نمی شود.

```
>>> straight_results <<<
```

	sexual_orientation	support	protection
count	69.000000	69.000000	69.000000
mean	8.362319	22.478261	23.681159
std	0.999574	5.025256	5.914819
min	6.000000	9.000000	3.000000
25%	8.000000	18.000000	20.000000
50%	9.000000	24.000000	25.000000
75%	9.000000	26.000000	28.000000
max	9.000000	33.000000	33.000000

```
>>> gay_results <<<
```

	sexual_orientation	support	protection
count	46.000000	46.000000	46.000000
mean	2.130435	22.521739	20.695652
std	1.127607	6.076326	6.856852
min	1.000000	6.000000	6.000000
25%	1.000000	19.000000	13.250000
50%	2.000000	24.000000	23.000000
75%	3.000000	27.000000	26.000000
max	4.000000	33.000000	32.000000

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

۵-۱. مقدمه

در این فصل ابتدا خلاصه ای مختصر از پژوهش مطرح شده، سپس به بحث و نتیجه ی یافته ها و نتایج تحلیل ها و مقایسه آن با نتایج سایر پژوهش ها در زمینه ی موضوع مورد پژوهش پرداخته می شود. در پایان این فصل به ارائه محدودیت های پژوهش و پیشنهادهایی (پژوهشی و کاربردی) اشاره می شود. پژوهش حاضر با هدف مقایسه پیوند خانوادگی دختران همجنسگرا و دگرجنسگرا انجام گرفته است.

به منظور اجرای این پژوهش محقق با انتشار پرسشنامه میان دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله ساکن ایران و آشنایی آنان با اهداف پژوهش پرسشنامه پارکر و همکاران نسخه ۲۵ سوالی فرم پدر و توزیع کرد و پس از پاسخگویی، پرسشنامه ها جمع آوری و اطلاعات جمع آوری شده برای تجزیه و تحلیل وارد نرم افزار می شود.

یافته ها: بر اساس نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها تفاوت معناداری بین پیوند خانوادگی ادراک شده در دختران همجنسگرا و دگرجنسگرا وجود ندارد.

و این بر خلاف فرضیه مطرح شده در پژوهش بود. طبق نتایج به دست آمده دختران همجنسگرا لزوما تجربه ی مراقبت و حمایت ضعیف تری را نسبت به دختران دگرجنسگرا ندارند.

۵-۲. محدودیت های پژوهش

پژوهشگر در اجرای این پژوهش حاضر با محدودیت هایی رو به رو بود که ممکن است بر کیفیت پژوهش تأثیر گذاشته باشند. در ادامه به آن ها اشاره می شود.

- با توجه به اینکه این پژوهش از نوع مقایسه ای بوده است و نمی توان رابطه علی معلولی برقرار نمود پس نمی توان جواب این پژوهش را به جامعه تعمیم داد

- ابزار پژوهش حاضر پرسش نامه ای بوده است، بنابراین از محدودیت های پرسش نامه ای برخوردار بوده

- پرسشنامه ترجمه شده ای در زمینه گرایش و ترجیح جنسی به زبان فارسی وجود ندارد و این می تواند بر اعتماد به صحت داده ها تأثیر منفی بگذارد.

- با توجه به اینکه بحث گرایش جنسی مساله کمتر پرداخته شده ای است، ممکن است افراد دچار ترس از قضاوت شدن شوند و بر عملکردشان در پاسخ ها تاثیر بگذارد

۳-۵. پیشنهادات پژوهشی

- پژوهشگران فعال در حوزه مزبور می توانند با استفاده از ابزارهای پژوهشی دیگر به نتایج هم راستا یا متفاوتی نسبت به نتایج این تحقیق دست یابند. در این پژوهش به وضعیت پیوند خانوادگی دختران پرداخته شده است، لذا پیشنهاد می شود در حوزه مطالعات مشاوره و روانشناسی به وضعیت آسیب پذیری این قشر در برابر معضلات اجتماعی از جمله طرد شدن، خودکشی و ... پرداخته شود.

- این موضوع در پسران هم به طور مستقل بررسی شود

- پژوهشی مستقل برای هنجارسازی و ترجمه فرهنگ پذیر پرسشنامه گرایش جنسی انجام شود.

۴-۵. پیشنهادات اجرایی

پیشنهاد میگردد بستری جهت آموزش رفتارهای اجتماعی و آگاهی یافتن از مسائل مرتبط با معضل های مطروحه در این تحقیق همچون طرد شدگی و مشکلات خانوادگی برای خانواده های این دختران بوجود آید. مسولان مدارس و مشاوران و معلمان آگاه به مسایل روز با این مساله و تفاوت علایق این دختران باشند تا در صورت نیاز موثر واقع شوند.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- بشارت، محمدعلی، گلستانی پور، آریا، و غلامعلی لوانسانی، مسعود. (۱۳۹۷). مقایسه همجنس گرایان و دگرجنس گرایان بر اساس ویژگی های شخصیتی، پیوندهای والدینی و سطوح سلامت روانی. مجله علوم روانشناختی، ۱۷(۶۹)، ۵۱۷-۵۳۰
- بشارت، محمدعلی، کریمی، سعید، و سعادت، مهسا. (۱۳۹۴). مقایسه مردان همجنس گرا و دگرجنس گرا از نظر ناهمنوایی جنسیتی در دوران کودکی و نرخ باروری در شجره خانوادگی. روانشناسی معاصر، ۱۰(۲) (پیاپی ۲۰)، ۱۴-۳
- بهزادی، بهناز، سروقد، سیروس، و سامانی، سیامک. (۱۳۹۰). تحلیل عامل تاییدی بر نسخه فارسی مقیاس پیوند والدینی پارکر. روشها و مدلهای روان شناختی، ۲(۶)، ۸۱-۹۸
- خدابخش، روشنک، خسروی، زهره، و نعمتی، آزاده. (۱۳۸۹). مروری بر عوامل اثرگذار بر گرایش جنسی انسان. تحقیقات روانشناختی، ۲(۸)، ۱۱۹-۱۴۱
- جبلی، س. ج. (۲۰۲۰). همجنسگرایی، تربیت یا طبیعت؟ مروری بر زمینه‌های نظری. رویش روان‌شناسی، ۹(۳)، ۴۸
- زاهدیان، سیدفتح اله، محمدی، مسعود، و سامانی، سیامک. (۱۳۹۰). نقش سبک های دلبستگی، پیوند والدینی و خود پنداره در اعتیاد جنسی. روان شناسی بالینی، ۳(۳) (پیاپی ۱۱)، ۶۵-۷۳
- نریمانی، محمد، محمودی، نادر، و ملک شاهی فر، معصومه. (۱۳۸۸). مقایسه هوش هیجانی و سبک دلبستگی در کودکان با لکنت و بدون لکنت. کودکان استثنایی (پژوهش در حیطه کودکان استثنایی)، ۹(۲) (پیاپی ۳۲)، ۱۵۵-۱۶۲
- میرگل، احمد، محسنی، سحر، و عسکری، فرشته. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر سبک های تربیتی والدین بر التزام عملی به اعتقادات مذهبی نوجوانان. پوشش در آموزش علوم انسانی، ۸(۲۶)، ۵۹-۶۷
- صالحی امیری، رضا، و رادان، احمدرضا. (۱۳۹۵). تاثیر انواع دلبستگی بر احساس امنیت. مطالعات منتشر شده در امنیت اجتماعی، - (۴۵)، ۹۹-۱۱۶.

Cahill, S. R., Baker, K., & Deutsch, M. B. (۲۰۱۴). Inclusion of Sexual Orientation and Gender Identity

Meaningful Use Guidelines: A Huge Step Forward for LGBT Health. LGBT ۳in Stage ۲۰۱۳.۱۵۰۰/lgbt.۱۰.۱۰۸۹. doi: ۱۲-۱۰), ۱(۱ Health,

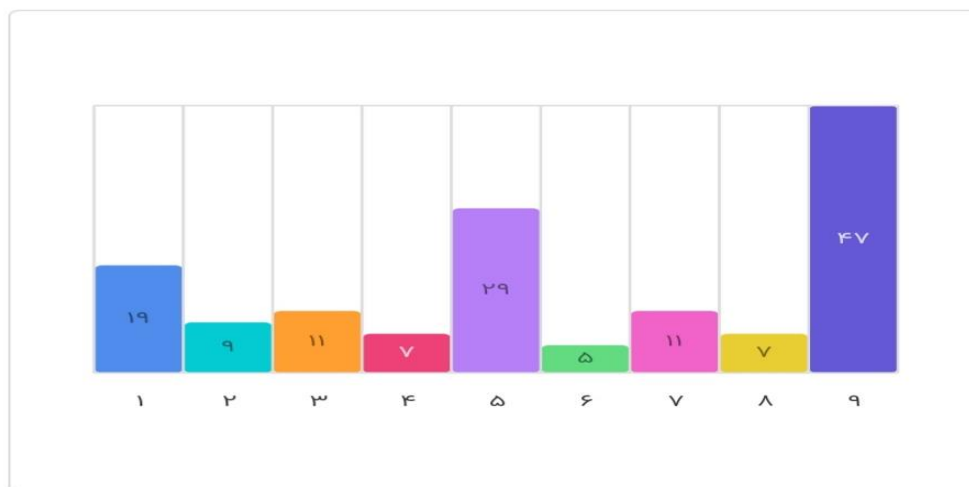
). LGBT Demographics: Comparisons among population-based ۲۰۱۴Gates, G. J. (surveys. The Williams Institute.

. Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: ۲۰۲۱Kaplan, H. I., & Sadock, B. J. (.th ed.). Wolters Kluwer۱۳Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry (

ضمایم و پیوست ها

لطفا گرایش جنسی خود را تعیین کنید. 

(همجنس خواه: ۱ تا دگرجنس خواه: ۹)



۱* - لطفا گرایش جنسی خود را تعیین کنید.



سلام دوست عزیز!
این پرسشنامه برای دختران ۱۸ تا ۳۰ ساله و
ارتباط آنها با والدینشان طراحی شده است.
در این پرسشنامه هیچ اطلاعات شخصی و
قابل رهگیری، ثبت نمی‌شود پس با اطمینان
و صداقت به سوال‌ها پاسخ دهید.
متشکرم!

(لطفاً فقط در صورتی پاسخ بدهید که در بازه
سنی ۱۸ تا ۳۰ سال هستید.)

این پرسشنامه فهرستی از نگرش‌ها و رفتارهای مربوط
به والدین را شامل می‌شود. مناسب‌ترین گزینه را بر
اساس آنچه از پدر و مادرتان در ۱۶ سال اول زندگیتان به
یاد می‌آورید علامت بزنید.

شروع

۱۴۵

تعداد پاسخ

۲۶۸

تعداد بازدید

۰۳:۲۷

میانگین زمان پاسخ‌ها

۶۸%

نرخ پاسخ‌دهی ؟

ردیف عبارات خیلی زیاد تقریباً زیاد تقریباً کم خیلی کم

- ۱ با من با صدایی گرم و دوستانه صحبت می کردند.
- ۲ به میزانی که نیاز داشتم به من کمک نمی کردند.
- ۳ به من اجازه می دادند کارهایی که دوست داشتم را انجام دهم.
- ۴ به نظر می رسید از لحاظ عاطفی با من سرد بودند.
- ۵ به نظر می رسید مشکلات و نگرانی های مرا درک می کردند.
- ۶ با من مهربان بودند.
- ۷ دوست داشتند برای من تصمیم بگیرند.
- ۸ نمی خواستند من بزرگ شوم.
- ۹ سعی در کنترل بر هر کاری که من انجام می دادم، داشتند.
- ۱۰ به حریم خصوصی من تجاوز می کردند.
- ۱۱ علاقه مند بودند که در مورد مسائل با من مکرر گفتگو کنند.
- ۱۲ بارها به من لبخند می زدند.
- ۱۳ مانند یک بچه از من مراقبت می کردند.
- ۱۴ به نظر نمی رسید نیازها و خواسته های من را درک کنند.
- ۱۵ به من اجازه تصمیم گرفتن در مورد امور خودم را می دادند.
- ۱۶ به من این احساس را می دادند که خواستنی نبودم.
- ۱۷ وقتی من عصبانی بودم می توانستند به من احساس بهتری بدهند.
- ۱۸ با من زیاد صحبت نمی کردند.
- ۱۹ سعی می کردند من را به خودشان وابسته کنند.
- ۲۰ احساس می کردند نمی توانم از خودم مراقبت کنم، مگر آنکه آنها اطراف من باشند.

- ۲۱ به من همان قدر که می خواستم آزادی می دادند.
- ۲۲ به من اجازه می دادند هر قدر که می خواهم بیرون بروم.
- ۲۳ از من حمایت بیش از حد می کردند.
- ۲۴ مرا تحسین نمی کردند.
- ۲۵ به من اجازه می دادند که هرگونه خوشم می آید لباس بپوشم.